

## تحلیل محتوایی و ساختاری مدایح نبوی در شعر ابن جنان الأندلسی

یحیی معروف<sup>۱</sup>

مریم رحمتی ترکشوند<sup>۲</sup>

راضیه کورد<sup>۳</sup>

### چکیده

مدایح نبوی، گونه‌ای خاص از مدح است که با ظهور اسلام پا به عرصه وجود نهاد. شاعران متعدد از دیرباز تا کنون ارادت و محبت خود را به ساحت مقدس پیامبر ﷺ با سرودن اشعار ابراز داشته‌اند. از سرآمدترین شاعران مدیحه سرای عصر اندلس، ابن جنان اندلسی است. نگارندگان در این جستار به دنبال آن بوده‌اند تا ضمن معرفی ابن جنان اندلسی و بررسی مدایح نبوی در شعر وی با روشی توصیفی-تحلیلی، برجسته‌ترین مؤلفه‌های محتوایی و ساختاری آن را مورد تحلیل قرار دهند؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد که مضامین نهفته در این مدایح همان مفاهیمی است که در دوره‌های پیشین مشاهده می‌شود و جز در برخی موارد اثری از نوآوری در مضمون این قصیده‌ها دیده نمی‌شود. شاعر با بهره‌گیری از عاطفه صادقانه، واژه‌ها و ترکیب‌هایی ساده را برای القای این مضامین برگزیده است؛ در ضمن این مدایح برای اثرگذاری بر مخاطب از صور خیال گوناگون، هم‌چون تشبیه، کنایه، استعاره، تشخیص را به کار برده است؛ هم‌چنین بهره‌گیری از اسلوب‌های دانش معانی، مانند منادا، استفهام، تمنی، تأکید توانایی ادبی والای او را نشان می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** پیامبر ﷺ، مدایح نبوی، ابن جنان اندلسی، دیوان، تحلیل محتوایی و ساختاری.

۱- استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه، نویسنده مسئول y.marof@yahoo.com

۲- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه rahmatimaryam88@gmail.com

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه razieh.kord69@yahoo.com

## مقدمه

مدایح نبوی از دیرباز یکی از انواع ادبی مورد توجه شاعران بوده و هست. بسیاری از ادیبان و سخنوران با بهره‌گیری از قریحه خدادادی و طبع لطیف، از این مضمون والا در شعر خود استفاده کرده و دست به آفرینش چکامه‌های زیبا در این باره زده و به این وسیله، نام خود را بر تارک ادبیات متعهد جاودانه کرده‌اند. شعر مدیح عمدتاً در پی آموزش گزاره‌های والای اخلاقی است. در این میان، اشعار منسوب به پیامبر اسلام ﷺ بالاترین نمود را دارا است. مدایح نبوی در شعر اندلس چندان نوآوری نداشته و بیشتر با توسل و التجا همراه بوده است. ابن جنان اندلسی یکی از صدها شاعر متعهد به شمار می‌رود که با استمداد از طبع لطیف شاعرانه، التزام خویش را به ساحت مقدس پیامبر ﷺ با سرودن قصایدی چند با محوریت دینی، ابراز داشته است.

شاعری و نویسندگی دو ویژگی برجسته این شاعر است که موجب مکاتبات میان این شاعر و علما و ادبای هم عصرش گردیده که در آن چیرگی ابن جنان آشکار گشته است. میل شدید وی به زهد باعث شده که اشعار این شاعر از حیث محتوا به دو بخش تقسیم شود:

**الف:** اشعار الهیات و نبویات. ب: اشعار اخویات، مراجعات و اشعار رثا.

قصاید الهیات و نبویات در دیوان ابن جنان دو موضوع متلازم و آغازگر دیوان وی است، شاعر این دو موضوع را با هم ذکر کرده به گونه‌ای که در اشعار الهیات غالباً در ابتدا به ذکر الله سبحانه و تعالی سپس حضرت ختمی مرتبت ﷺ می‌پردازد، گویی شاعر در پی یاد آوری دو رکن توحید و نبوت است. (کرد، ۱۳۹۸:

(۱۱)

در این جستار به بررسی ساختاری و محتوایی اشعار وی می‌پردازیم؛ لذا در ابتدا به رایة مبانی نظری پژوهش و تعریف مدح از زمان پیدایش تا عصر معاصر پرداخته شده، پس از آن «نگاهی گذرا به زندگی شاعر و اساسی‌ترین مضامین شعری وی ارائه گردیده است و در ادامه به تحلیل محتوایی و ساختاری مدایح نبوی ابن جنان اندلسی پرداخته‌ایم. نگارندگان در این جستار بر آن بوده‌اند تمام تلاش خود را به کار گیرند تا اثرپذیری شاعر را از میراث دینی با رایة مضامینی چند و نیز با بهره‌گیری از دستاوردهای علوم بلاغی در سه گستره معانی، بیان و بدیع به نمایش بگذارند. با وجود برجستگی اشعار ابن جنان در گرایش شدید به اشعار زهد و اشعار اجتماعی، متأسفانه این شاعر در ایران و بسیاری از کشورهای عربی ناشناخته مانده است، از این رو اشعار مدیح نبوی ابن جنان هم‌چون دیگر اغراض شعری وی مورد غفلت پژوهشگران عرصه ادبیات و علوم دینی قرار گرفته است. پژوهش پیش رو بر آن است تا علاوه بر معرفی ابن جنان اندلسی به بررسی و تحلیل مدایح نبوی وی از دو منظر محتوایی و ساختاری بپردازد. در بازگردان آیات قرآن به فارسی از ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای استفاده شده است.

## ۱. ادبیات نظری پژوهش

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

مدح نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شمار مهم‌ترین فنون شعری در نزد عرب‌ها، بلکه عامهٔ مسلمانان محسوب می‌شود، این غرض شعری از یک سو بخشی عظیم از شعر و نثر عربی را به خود اختصاص داده و از سوی دیگر زمینه‌ای وسیع برای پژوهشگران حوزهٔ ادبیات، جهت بررسی و کند و کاوهای علمی- پژوهشی این آثار ادبی- دینی فراهم آورده است که در دو بخش مقالات و پایان‌نامه‌ها به آن‌ها اشاره می‌گردد:

### الف: مقالات

۱- سلیمی و احمدی «مدایح نبوی در شعر عربی، بررسی دگرگونی‌های تاریخی آن» مجلهٔ العلوم الانسانیة الدولية، ۲۰۱۱/ ۱۴۳۲ق، العدد ۱۸، صص ۴۹-۶۴. نویسندگان در این پژوهش به بررسی پیشرفت مدایح نبوی در شعر قدیم و معاصر عرب پرداخته و در سه مرحله آن را بررسی کرده‌اند. پیروی از بردهٔ کعب بن زهیر، ترکیب مدح نبوی با تصوف و معارف دینی و فلسفی (بردهٔ بوصیری) و ترکیب مدح نبوی با قضایای سیاسی و اجتماعی (شعر معاصر).

۲- صاحبعلی اکبری، «سروده‌های اندلسی‌ها در مدح پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دورهٔ ۱، شماره‌های ۱-۲ (ویژهٔ زبان و ادبیات عربی و قرآنی)، بی‌تا، صص ۱۶۱-۱۷۷، این پژوهش به بررسی و نقد اشعار مدایح پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که توسط شاعران نامدار اندلس سروده شده، پرداخته و نویسنده در آن تنها اشاره‌ای کوتاه به مطلع قصیدهٔ میمیهٔ ابن جنان - در مدح حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - کرده است.

۳- ابوالحسن امین مقدسی، «درآمدی تطبیقی بر مدایح نبوی شوقی و بهار» نشریهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (علمی- پژوهشی)، شماره‌های ۶-۷ (ضمیمهٔ زبان و ادبیات عربی)، ۱۳۸۳، صص ۱-۱۸، به بررسی تطبیقی مدایح نبوی احمد شوقی و بهار اقدام نموده و به مضامین مشترک، مانند معراج، امی بودن، برتری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر سایر پیامبران و نیز به وجوه افتراق بین مدح نبوی این دو شاعر گران‌قدر پرداخته است.

۴- طهماسبی و اسماعیل زاده، «مقایسه مدایح نبوی دوره معاصر با دوره انحطاط»، مجلهٔ ادب عربی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران) دورهٔ ۱، شمارهٔ ۱، ۱۳۸۸، صص ۳۱-۵۱ که در آن ضمن اشاره به فن مدح و مدایح نبوی و چگونگی شکل‌گیری آن به تقلید و تجدید ایجاد شده در این فن در دوره معاصر در مقایسه با مدایح نبوی دورهٔ انحطاط پرداخته شده است.

۵- محمد دزفولی و دیگران، «تطور محتوایی مدایح نبوی در شعر شاعران عرب» نشریهٔ ادب عربی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران) دورهٔ ۳، شمارهٔ ۲ (پیاپی ۴)، ۱۳۹۰، صص ۹۹-۱۱۸، نویسندگان

در آن با نگاهی مختصر به شعر مدح پیامبر ﷺ و تطور آن، روندی را که این شعر از عهد اسلامی تا دوره معاصر طی نموده است، بررسی کرده‌اند.

### ب: پایان‌نامه‌ها

۱- خدیجه اسماعیلی، «مقایسه تطبیقی مدح نبوی و سیمای پیامبر در اشعار حسان بن ثابت و بوصیری» پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند به راهنمایی دکتر احمد لامعی گیو، ۱۳۹۳، در این پژوهش به بررسی تطبیقی اشعار این دو شاعر و بیان تفاوت‌ها و تشابهات آن‌ها در زمینه مدح پیامبر ﷺ پرداخته شده است. نویسنده در این پژوهش پس از معرفی بوصیری و حسان ابن ثابت و اشاره به اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم در زمان آنان، در فصل اصلی، نمونه‌هایی از اشعار شاعران مذکور را در موضوعات مختلف مدح نبوی به شکل تطبیقی ارائه داده است.

۲- طیبه میرزاپور «مدایح نبوی عائشة الباعونیه و نمود باورهای مذهبی در آن» پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یزد، دانشکده زبان‌های خارجی به راهنمایی دکتر وصال میمندی، ۱۳۹۳، در آن اشعار بسیاری را به مدح پیامبر ﷺ اختصاص داده شده و مدایح نبوی عائشة الباعونیه و نیز نمود باورهای صوفیانه و مذهبی وی مورد بررسی قرار گرفته است.

با وجود این‌که ابن جنان اندلسی شاعری برجسته، و یکی از چهره‌های مدایح نبوی قرن هفتم در اندلس محسوب می‌شود، و هم‌چنین با توجه به جستجوی فراوان در پی دست‌یابی به پژوهش یا پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله پیش‌رو، می‌توان گفت پژوهش جامع و کاملی در حوزه تحلیل محتوایی و ساختاری مدایح نبوی این شاعر دیده نشد. البته جمع آوری و تدوین دیوان این شاعر توسط دکتر مصطفی بهجت (۱۴۱۰ق) را می‌توان پژوهشی گرانسنگ دانست که در راستای گردآوری و تدوین اشعار ابن جنان انجام شده است.

### ۲-۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱- مهم‌ترین مضامین مدایح نبوی در شعر ابن جنان الاندلسی چیست؟
- ۲- مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری مدایح نبوی در شعر ابن جنان الاندلسی در چه مواردی نمود یافته است؟

### ۳-۱. فرضیه‌های پژوهش

۱- اشعار ابن الجنان به گونه‌ای با مدایح نبوی در آمیخته که ویژگی بارز این قصاید مدح پیامبر ﷺ است. شاعر به عشق پیامبر ﷺ اهتمام می‌ورزد و همه آرزوهایش در عشق او تجسد می‌یابد. عشق به پیامبر ﷺ در وجودش نهفته است و در همه حالات از یاد پیامبر ﷺ غافل نمی‌شود و از ایشان شفاعت می‌جوید.

۲- بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که مدح در شعر شاعران اندلس جلوه‌ای تمام داشته و در شعر ابن جنان نسبت به سایر مضامین شعری وی، از بسامدی بالا برخوردار است.

#### ۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

بررسی بن‌مایه‌های فکری ابن جنان اندلسی، تحلیل محتوایی و ساختاری مدایح نبوی و آشنایی با مدایح نبوی در اشعار این شاعر، شناخت دیدگاه زاهدانه و مضامین عرفانی موجود در مدایح نبوی‌اش و نیز بررسی مهم‌ترین زیبایی‌های بلاغی و بدیعی که شاعر از آن در مدایح نبوی بهره برده و تاکنون در ایران ناشناخته مانده است، اهمیت و ضرورت این پژوهش را آشکار می‌سازد.

#### ۵-۱. روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، و شیوه جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای است که مبتنی بر مطالعه دیوان ابن جنان اندلسی، پژوهش‌های انجام گرفته درباره مدایح نبوی و اوضاع اندلس در قرن هفتم می‌باشد؛ لذا دیوان ابن جنان به عنوان منبع اصلی پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. در پژوهش حاضر تحلیل شواهد درون متنی با مراجعه به مصادر کتابخانه‌ای و الکترونیکی مرتبط با موضوع پژوهش به این شیوه سامان یافته که اشعار ابن جنان اندلسی در دو رویکرد تحلیل درونمایه‌های مدایح نبوی و بررسی ساختار این مدایح مورد بررسی قرار گرفته است، بنابراین جهت پردازش هر یک از رویکردهای وی، ابتدا مضامین مورد پژوهش از دیوان ابن جنان استخراج گشته، پس از شرح مدایح وی بر اساس شواهد موجود در کتاب مذکور، به تحلیل محتوایی و ساختاری آن‌ها ذیل مضمون مرتبط به آن بحث پرداخته شده است. در این راستا از منابع مرتبط و مورد نیاز جهت تحلیل و تفسیر موضوع مورد بحث استفاده نموده‌ایم.

#### ۲. معرفی شاعر و بیان جایگاه ادبی او

با وجود این‌که دیوان ابن الجنان از ارزنده‌ترین آثار ادبی اندلس به شمار می‌آید، اما در کتاب‌های تاریخ ادبیات و حتی در کتاب‌هایی با موضوع مدح نبوی، کمتر به معرفی شخصیت و دیوان او پرداخته شده است ابو عبد الله محمد بن محمد أحمد الأنصاری شاعر متعهد شیعه معروف به ابن الجنان در قرن هفتم هجری در عصر موحدین می‌زیست و در زندگی خود شاهد حوادث و ضعف و شکست‌های بسیار بوده است. در سال ۶۴۰ هـ که کشورش به دست دشمن افتاد به ناچار به کشور مغرب مهاجرت کرد. ابتدا به شهر سبته رفت. پس از آن‌که ابوعلی بن خلاص حاکم بجایه او را فراخواند به آن‌جا رفت و تا پایان عمرش در همین شهر رحل اقامت افکند. ابن الجنان در گذر زمان از علمای مشهور عصر خود شد و در زمره اهل روایت و درایت، سخنوری، نویسندگی، بلاغت، شاعری، خوش‌نویسی، امانت‌داری قرار گرفت. از منابع مختلف به دست آمده که او دارای

اخلاق و فضایی والا و باهوش بود و طبعی لطیف و باوقار داشت. میان او و علما و ادبای عصرش مکاتباتی صورت گرفت که براعت خود را در آن مکاتبات آشکار نمود. (اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۵)

### ۳. مدح در لغت و اصطلاح

مدح عبارت از ستایش، تمجید و تعریف نیکو از ممدوح است و در نظم و نثر می‌تواند منبعث از انگیزه‌هایی مانند تکسب جهت گذراندن زندگی و تأمین وجه معاش، کسب شهرت و نام آوری، کسب پاداش و اجر اخروی یا تحقق آمال قلبی و انتشار اوصاف پسندیده ممدوح از روی علاقه قلبی و خلوص باشد. صاحبان سخن در تعریف لغوی واژه مدح، این کلمه را نقیض هجا و بدگویی و به معنای ثنای نیکو آورده‌اند؛ لذا مدح تعبیر از ستودن و برتر انگاری ممدوح از جهت یا جهاتی است، چنان که قدامة بن جعفر عقیده دارد «مدح حقیقی تنها در فضایل انسانی باید صورت پذیرد نه صفات جسمانی و یا عرضی و شعرا باید در مدح انسان به چهار نکته اصلی، یعنی عقل، شجاعت، عدل و عفت توجه کنند و ممدوح باید دارای این صفات باشد؛ در غیر این صورت، شاعر در مدح به خطا رفته و مدحی جامع ارایه نداده است.» (قدامة بن جعفر، ۱۴۲۰ق: ۲۰)

مدح در شعر توانسته است در قالب یکی از اغراض اساسی قرار گیرد و در راستای دستیابی به هدف یا اهدافی بیان گردد، بنابراین «شعر مدحی ستایشی است که شاعر از ممدوح خود می‌کند و ضمن آن سجایای اخلاقی وی را برمی‌شمرد و از رفتار و موفقیت‌های او تمجید می‌کند و زبان به بزرگداشت او می‌گشاید.» (رزمجو، ۱۳۷۴: ۳۹) با عنایت به این نکته که غرض شعری یادشده از جمله اغراض قدیمی شعر است و از آن به عنوان ابزار تبلیغ و بزرگ‌نمایی حکومت‌ها و حاکمان استفاده می‌شد، باید گفت مدح «مضمونی است که در شعر اکثر شاعران به چشم می‌خورد و گاهی توأم با اغراق است؛ در دوره اسلامی در پرتو ارزش‌های اسلامی در محتوا و معانی و موضوعات سنتی- جاهلی مدح، تغییراتی پدید آمد که از جمله می‌توان به ورود معانی اسلامی و توجه به فضایل معنوی اشاره نمود. شخصیت والای پیامبر ﷺ به عنوان پرچمدار رسالت الهی، توجه شاعران عرب را به خود جلب کرد و آن‌ها زبان به مدح و ثنای او گشودند؛ به این ترتیب مدح نبوی با دو رویکرد تقلیدی محض و تقلیدی دینی شکل گرفت. در دوره اموی و عباسی به علت بحران قدرت و انحراف چرخ سیاست و وابستگی شعرای نامدار به دربار حکام، مدایح نبوی با کم‌مهری مواجه شد.» (محسنی‌نیا و جهادی، ۱۳۸۹: ۴۴).

اما در پی ظهور دین مبین اسلام و دعوت حضرت ختمی مرتبت به اسلام، شاعرانی مانند حسان بن ثابت انصاری، کعب بن زهیر، کعب بن مالک و دیگران به جرگه پیروان آن حضرت پیوستند و در راستای اشاعه حقانیت و استواری آیین پیامبر اسلام ﷺ چکامه‌هایی سرودند که مدح آن حضرت، مضامین برجسته این چکامه‌ها را تشکیل داده است. از آغاز اسلام تا کنون مدح و ستایش پیامبر ﷺ در شمار مضامین مورد علاقه و توجه شاعران دینی بوده و است، از این رو در شعرهای دینی- مذهبی «یکی از موضوعات مدح، التزام به مدح

حضرت محمد ﷺ است که شاعران اکثراً به جهت تیمن و تبرک و کسب ثواب و اجر اخروی به این مهم پرداخته و کوشیده‌اند در این راه تمام تلاش و هنر شعری خویش را به کار گیرند. این زمینه حتی به عنوان میدانی جهت مفاخره برای شاعران مطرح شده است؛ و شعرا از اعصار قدیم سعی داشته‌اند در این عرصه گوی سبقت از یکدیگر برابند و خویش را به لقب شاعر حضرت رسول مفتخر سازند. (مبارک، ۱۹۹۷: ۲۷).

#### ۴. مدح نبوی در اندلس<sup>۱</sup>

در زمان فتوحات اسلامی، سرزمین مغرب حوادث تاریخی مهم و فراوانی را به خود دیده است. این حوادث دامنه و طیف وسیع و متنوعی، مانند حوادث تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. با تسلط اعراب - باقیمانده خاندان اموی که پس از شکست از عباسیان و گریز به اندلس (اسپانیای فعلی) - بر سرزمین اندلس و حضور خاندان‌های حکومت‌گر عرب زبان در آن‌جا، علاوه بر تغییر در ساختار سیاسی - نظامی این سرزمین، نظام اجتماعی و فرهنگی آنان نیز به شدت دستخوش تغییر شد. «عرب‌ها به انگیزه اصلاح و انتشار اسلام به اندلس رفتند و در زمان کوتاهی، در سراسر اندلس تا شمالی‌ترین مرزهای آن جای گرفتند. پرچمداران نیروهای فاتح، چند تن از صحابه و شماری از تابعان بودند که جاذبه آنان را در تعبد و صفات برجسته معنوی ستوده‌اند. آنان تعلیم قرآن و گسترش فقه و آیین‌های اسلامی را وظیفه اصلی خود می‌دانستند. چارچوب فکری رایج در اندلس هنگام آمدن مسلمانان نیز توحیدی بود [مسیحیت] و از این رو، مردم بومی به سرعت پیام توحیدی قرآن را دریافتند و این پیام بدون کوششی نظامی گسترش یافت. مردم بومی با صلح، اسلام را پذیرفتند؛ چنان که سرعت انتشار مسالمت آمیز این دین و پذیرفته شدن توحید اسلامی نزد مردم اسپانیا و شکست ادیان پیش از اسلام، از دید بسیاری از نویسندگان معاصر تاریخ اسپانیا مهم و ستودنی است.» (شهیدی پاک، ۱۳۹۰: ۹۰). باید به این نکته مهم توجه داشت که با وجود حاکمیت هفتصد ساله مسلمانان بر اندلس پس از قیام مردم این سرزمین و بیرون راندن اعراب، نه عربی زبان رایج این سرزمین گشت و نه تغییری در دین رسمی، یعنی مسیحیت پدید آمد. اگر چه اکنون بازدید آثار تاریخی شگفت‌انگیز این دوره، منبع درآمد مهمی در صنعت توریسم و گردشگری برای اسپانیا به شمار می‌آید و رگه‌ها و صبغه‌هایی از تأثیر فرهنگ طلایی دوره اندلس در موسیقی، ادبیات و به طور کلی فرهنگ این کشور اروپایی به چشم می‌خورد.

پس از استیلا و استقرار عرب‌ها در اندلس، علاقه اندلسی‌ها به شعر و نثر مشرق، زمینه انتقال بسیاری از آثار ادبی مشرق به اندلس و تقلید از محتوا و مضامین این آثار و اشاعه فرهنگ شعری و ادبی شرق به غرب را به ارمغان آورد. بنابراین زبان و ادبیات عربی در اندلس بخشی بزرگ از ادبیات عربی را تشکیل می‌دهد. علاوه بر گرایش ادیبان این سرزمین به فنون ادبی شرقی - عربی، با استقبال اندلسی‌ها از آیین اسلامی، سرایش اشعار دینی و مذهبی در زمره ادبیات دینی اندلس قرار گرفت و مدح نبی ﷺ بخشی چشمگیر از اشعار پاره‌ای از

شاعران اندلسی، مانند یحیی بن خلدون، ابن السماط المهدوی و عبدالله بن یحیی شقراطیسی و دیگر شاعران را دربر گرفته است؛ به عنوان مثال یحیی بن خلدون در مدح پیامبر ﷺ چنین سروده است:

سَيِّدُ الْعَالَمِينَ دُنْيَا وَ أُخْرَى	أَشْرَفُ الْخَلْقِ فِي الْعُلَا وَ السَّمَاحِ
سَيِّدُ الْكَوْنِ مِنْ سَمَاءٍ وَأَرْضِ	سِرُّهُ بَيْنَ غَايَةِ وَافْتِتَاحِ
زَهْرَةُ الْغَيْبِ مَطْهَرُ الْوَحْيِ مَعْنَى الْ	نُورِ كُنْهَ الْمَشْكَاةِ وَالْمُصْبَاحِ

(فروخ، ۱۹۸۳: ۵۴۲/۶)

۱. پیامبر سید و سرور دو عالم دنیا و آخرت، اشرف مخلوقات در بلند مرتبگی و بخشنده‌گی است. ۲. او سرور هستی و آسمان‌ها و زمین است که راز و رمز وجودی او از ابتدای هستی وجود داشته و غایت هستی می‌باشد. ۳. پیامبر ﷺ درخشش غیب، مظهر وحی و معنای نور است، حقیقت وجودش مانند چراغدانی است که در آن چراغ است.»

اقتباس از آیات قرآنی در مدحیه‌های نبوی اندلس از وجوه متمایز مدح نبوی در این عصر است، چنان‌که مشاهده می‌شود این خلدون در این شعر در ستایش رسول خدا ﷺ و یادآوری مقام و منزلت رفیع آن حضرت به اقتباس از سوره نور روی می‌آورد و حقیقت وجود مبارک آن حضرت را مانند چراغدانی می‌داند که در آن چراغ است؛ «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ» (نور / ۳۵)، «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی است.»

ابن السماط المهدوی دیگر شاعر اندلسی است که در لامیه مشهورش در مدح رسول خدا ﷺ، در راستای ستایش آن حضرت به توصیف اشتیاق ناچه‌اش می‌پردازد که حرکت تند آن را به سمت محل سکونت پیامبر ﷺ همانند حرکت فقرا از روی اشتیاق به دربار انسان‌های بزرگ و بخشنده ترسیم می‌کند:

وَكُلُّ الْأَمَانِيِّ فِي غُدُوِّ رَوَاسِمِ	إِلَى رَشْمِهِ أَوْ فِي رَوَاحِ رَوَاحِلِ
وَمَا سَوْفَهَا بَلْ شَوْفَهَا يَسْتَجْتِهَا	حَيْثُ أَخَى الْإِمْلَاقِ يُدْعَى لِنَائِلِ
رَسُولُ أَتَى وَالْغَيُّ وَارْتِ غُيُومُهُ	نُجُومُ الْهُدَى وَ الرَّشْدِ عَنْ كُلِّ غَافِلِ
أَشْدَاءُ وَالْهَيْجَاءُ حَامٍ وَطَيْسِهَا	ذُؤُ رَحْمَةً بِالْبَائِسَاتِ الْأَرَامِلِ
مَدَحْتُ الشَّفِيعِ الْمُصْطَفَى غَيْرَ قَائِمِ	بِمَعْشَارِ مَا يُحْصَى لَهُ مِنْ فَضَائِلِ

(همان، ۳۲۰)

۱. تمام آرزوی من حرکت در هنگام صبح زود به سوی سرا و محل سکونت آن حضرت با ناله تندرو، و یا بازگشت در وقت غروب است. ۲. راندن باعث حرکت ناچه‌ها نیست، بلکه شوق آن‌ها موجب حرکتشان به سوی پیامبر ﷺ است، طوری که همانند انسان فقیر و نیازمند به بخشش، با سرعت به سوی پیامبر می‌شتابند. ۳.



او رسولی است که آمد در حالی که ابرهای گمراهی و جهل ستارگان هدایت و رستگاری را بر هر غافلپوشانده بود. ۴. بر کافران سختگیر است و در جنگ حامی و پشتیبان همکیشان و مسلمانان است و نسبت به زنان بیوه و تهی دست مهربان است. ۵. پیامبری را که در قیامت از شفاعت کنندگان امت است، مدح کردم، اما مدح من به اندازه یک دهم از فضیلت‌های او نمی‌رسد.»

المهدوی نیز در لامیه خود افزون بر ستایش و مدح اوصاف پسندیده پیامبر به اقتباس روی می‌آورد، همان گونه که مشاهده می‌شود در بیت چهارم با اقتباس از آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح / ۲۹)، «محمد، رسول خداست و کسانی که با او هستند بر کفار سخت و در میان خودشان مهربانند.» و در بیت پنجم با اشاره به آیه «وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» (شرح / ۴)، «و نام تو را بلند (آوازه) گردانیدیم.» به صفاتی هم‌چون مهربانی و نرم‌خویی با دوستان، سخت‌گیری بر دشمنان و مقام و منزلت و نام بلند آوازه آن حضرت اشاره می‌کند.

عبدالله بن یحیی شقراطیسی از مداحان به نام دیگری است که در عصر اندلس «با سرایش قصیده معروف به «بدیعیه» در مدح رسول ﷺ لامیه‌اش را سرود که به لامیه شقراطیسی شناخته شده است. در این قصیده اموری از سیره رسول خدا ﷺ و جنگ‌ها و معجزات آمده است. هم‌چنین شکی نیست که بوصیری شاعر معروف عصر مملوکی در سرودن قصیده البرده نظری به این قصیده داشته است.» (همان، ۶۱۱/۴)

در گزیده‌ای از ابیات این قصیده اقتباس‌های قرآنی شقراطیسی، مانند غالب مداحان نبوی در عصر اندلس مشهود است. شقراطیسی نیز مانند ابن السمط المهدوی خوش‌خلقی و مهربانی پیامبر ﷺ را نسبت به همه مردم اعم از غنی و فقیر بیان می‌کند و در شعر خود به استناد از آیات قرآنی تمایل نشان می‌دهد، چنان که با توجه به آیه ۱۵۷ سوره اعراف ظهور پیامبر ﷺ در دو کتاب تورات و انجیل تصدیق شده است؛ «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ» (اعراف / ۱۵۷)، «رحمت الهی شامل کسانی است که علاوه بر ایمان، زکات و تقوا را از رسول و پیامبر درس نخوانده‌ای پیروی می‌کنند که (نام و نشانه‌های او را) نزد خویش در تورات و انجیل نوشته می‌یابند. پیامبری که آنان را از زشتی باز می‌دارد و به نیکی فرمان می‌دهد.»، چنین می‌سراید:

وَ أَكْرَمُ الْخَلْقِ مِنْ خَافٍ وَ مُتَّعِلٍ	خَيْرُ الْبَرِيَّةِ مِنْ بَدُوٍ وَ مِنْ حَضَرٍ
إِنْجِيلِ عَيْسَى بِحَقِّ غَيْرِ مُتَّعِلٍ	وَ تَوْرَاتِ مُوسَى أَنْتَ عَنْهُ فَصَدَّقَهَا
بُشْرَى الْهَوَاتِفِ فِي الْإِشْرَاقِ وَ الطَّفْلِ	ضَائِتٍ بِمَوْلِدِهِ الْآفَاقِ وَ أَنْصَلَتْ

(همان)

۱. پیامبر ﷺ بهترین مردمان بادیه نشین و شهر نشین است و برترین مردمان پابرهنه و حذا پوش است (یعنی برترین جهانیان است). ۲. تورات موسی ﷺ از آمدنش خبر داده بود و انجیل عیسی ﷺ حقانیت او را تصدیق کرده بود. ۳. با تولدش جهان روشن گشت و پیام‌های بشارت و تبریک در تاریکی و روشنایی (در شب و روز) پراکنده شد.»

## ۵. بررسی محتوایی مدایح نبوی در شعر ابن الجنان الأندلسی

### ۵-۱. حب راستین به پیامبر ﷺ

یکی از موضوعاتی که در مدایح نبوی ابن جنان به وضوح و روشنی قابل تأمل است و می‌توان آن را از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد مدایح وی دانست، عشق راستین به پیامبر خدا ﷺ است، به عنوان نمونه او در بیت زیر سود و منفعت دنیوی و اخروی خود را تنها در حب خالص رسول خدا می‌داند:

أَرْجَى لَدَيْهِ التَّفَعُّعَ فِي صِدْقِ حُبِّهِ      وَ مَنْ يَرْجِعَ الْمُخْتَارَ لِأَشَكِّ يَنْفَعُ

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۱۱۷)

«در حب راستین محمد ﷺ امید سود و منفعت دارم و بدون شک هرکس امید به رسول برگزیده خدا داشته باشد، سود می‌برد.»

شاعر در ابیاتی دیگر، جاودانه بودن حب پیامبر را به رشته نظم می‌کشد و می‌گوید:

يُسْتَأْتَقُ وَجْهًا لِلنَّبِيِّ وَسِيمًا      صَلَّى عَلَيْهِ وَ سَلَّمُوا تَسْلِيمًا

مَا بَالُنَا نَسَلُو وَحُبُّ حَبِيبِنَا      يُقْضَى بِبَسِّ عَزَامِنَا وَ نَحِيبِنَا

لَوْ صَحَّ فِي الْإِخْلَاصِ عَقْدُ قُلُوبِنَا

(همان، ۱۵۳)

«قلب‌ها مشتاق دیدار چهره زیباروی پیامبر هستند. بر او صلوات فرستید و آن گونه که شایسته او است تسلیمش باشید. ما را چه شده است که فراموش می‌کنیم در حالی که عشق محبوبمان ناله درون و عشق سوزان ما را برمی‌انگیزد. و اگر این عشق راستین باشد، قلب‌هایمان را به هم وصل می‌کند.»

### ۵-۲. تطهیر و شرح صدر پیامبر ﷺ

یکی از وقایعی که در زندگی پیامبر اکرم ﷺ اتفاق افتاده نزول آیه تطهیر است.

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/ ۳۳)، «خداوند قطعاً می‌خواهد

پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.»

این آیه شریفه از زمان نزول تاکنون به اسلوب‌های مختلف در شعر شاعران مدیحه سرا و دوستدار خاندان پیامبر ﷺ جای گرفته است.

ابن جناب عصمت و شرح صدر پیامبر ﷺ را با این عنوان بیان می‌کند:

سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ ظَهَرَ اللَّهُ قَلْبَهُ  
فَأَصْدَرَ شَرَحَ الصَّدْرِ مِنْهُ وَ أَوْرَدَا

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۸۱)

«سلام و درود بر کسی که خداوند قلبش را پاک گردانید و به او سینه گشاده داد و آن را در قرآن یاد کرده است.»  
مصرع دوم بیت نیز اشاره به شرح صدر پیامبر ﷺ دارد که در آیه: «أَلَمْ نُشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (انشرح/۱)، ای رسول گرامی آیا ما تو را شرح صدر عطا نکردیم؟ ذکر شده است.  
در آیه فوق به مسئله شرح صدر پیامبر اکرم ﷺ اشاره شده است و این که سینه پیامبر ﷺ در اثر عناد و کینه ورزی مشرکان به تنگ آمد، از این رو؛ خداوند حکیم در سایه مهر و عطوفت خود سینه فرستاده خود را گشایش بخشید که ایشان بتوانند همه سختی‌ها و رنج‌ها را در راه رسالت آسمانی خویش تحمل کنند. «بعضی شرح صدر پیامبر اسلام را مرتبط با داستان (شق صدر) یا شکافتن سینه می‌دانند.» (رازی، بی تا: ۲/۳۲).

### ۳-۵. بر تری پیامبر بر همه موجودات هستی

در میان شاعران مداح همواره رایج بوده است که ممدوح خود را چون خورشید و دیگر شاهان را مانند ماه معرفی می‌کردند. (محسنی نیا، ۱۳۸۸: ۴۳). خداوند در سوره مبارکه بینه، پیامبر ﷺ، علی عليه السلام و شیعیان ایشان را خیر البریه می‌داند. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (بینه/۷)، «و آنان که به خدای یکتا ایمان آوردند و نیکوکار شدند آن‌ها به حقیقت بهترین اهل عالمند.»  
ابن جناب با پیروی از آیه ۷ سوره مبارکه بینه، پیامبر ﷺ را بهترین آفریده خدا می‌داند و با اثرپذیری از آیه فوق به این امر اشاره می‌کند:

صَلُّوا عَلَيَّ خَيْرَ الْبَرِيَّةِ خَيْمًا  
وَ أَجَلٌ مَنْ حَازَ الْفَخَاذَ صَمِيمًا

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۸)

«درود و سلام بر آن کسی بفرستید که از نظر خوی و خصلت برترین مردمان است و گرامی‌ترین کسانی است که در دنیا به افتخارات بزرگ نایل آمده‌اند.»

### ۴-۵. رثوف بودن پیامبر ﷺ

پیامبر ﷺ در طول عمر پر برکتشان همواره دلسوز مؤمنان بودند به گونه‌ای که قرآن کریم مهربانی حضرت را نسبت به مؤمنان این گونه بیان می‌کند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ

عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه / ۱۲۸)، «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است.»  
ابن جنان در بیت زیر رأفت پیامبر ﷺ را این گونه به تصویر می‌کشد:

إِذَا رَأَفَهُ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيماً  
صَلَّوْا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۸)

«بر پیامبری که در عطف با مؤمنان مهربان‌ترین بود، سلام و درود بفرستید و تسلیم امر و فرمان او باشید.»

### ۵-۵. وجود ازلی پیامبر ﷺ از آغاز معجزات پیامبران

یکی از اصول مهم اعتقادی این است که خداوند روح مبارک پیامبر ﷺ را از همان آغاز خلقت و هم‌زمان با حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ آفریده است. روایاتی متعدد به این امر اشاره دارد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این ارتباط فرموده است: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي» (مجلسی، ۱۹۸۳: ۹۷/۱) «اولین مخلوقی که خداوند آفرید نور من بود.» که نور اشاره به روح آن حضرت و نشأت غیر مادی ایشان می‌باشد. هم‌چنین در جای دیگر می‌فرماید: «كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ» (همان، ۱۶/۴۰۲) «من پیامبر بودم درحالی که حضرت آدم بین آب و گل بود.» مسلماً در این روایات نشأت عنصری پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مراد نیست، بلکه به قدیم بودن ایشان اشاره دارد.

سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ كَانَ مُدُّكَ كَانَتْ مُعْجِزَةً  
فَأَرْخُهُ لِلْإِعْجَازِ إِنْ شِئْتَ مَوْلِدًا

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۸۸)

«سلام بر آن کسی که از هنگام تحقق هر معجزه‌ای وجود داشته است. پس اگر زمان دقیق معجزات (پیامبران پیشین) را می‌خواهی، تاریخ آن را از او بپرس.»  
ابن جنان در بیت فوق به وجود ازلی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضور مبارک ایشان در کنار دیگر پیامبران اشاره می‌کند.

### ۵-۶. برآمدن نوری از سمت حجاز به سوی مشرق

از جمله معجزات شب میلاد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، برآمدن نوری از جانب حجاز به سوی مشرق است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۵۶/۱)

شاعر در بیت ذیل به نوری اشاره دارد که از طرف حجاز آغاز شده و در عالم منتشر گشته است تا از همان آغاز تولد مؤده بعثت او را بدهد.

سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ لَاحَ بُرْهَانُ بَعْتِهِ  
فَأَتْهُمْ فِي أَفْصَى الْبِلَادِ وَ أَنْجَدًا

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۸۳)

«درود بر کسی که برهان بعثتت درخشید و در دورترین و نزدیک‌ترین نقاط جهان زباز شد.»

ابی کثیر نیز در کتاب خود به این معجزه اشاره کرده است: "و نوری در آن شب از طرف حجاز ظاهر شد و در عالم منتشر گردید و پرواز کرد تا به مشرق رسید." (ابن کثیر، بی تا: ۲ / ۲۶۸ - ۲۳۹؛ بحار الانوار، بی تا: ۱۵ / ۲۵۷ - ۲۵۸).

## ۶. بررسی ساختاری مدایح نبوی

مدایح نبوی به طور کلی از نظر بدنه اصلی، دارای سه عنصر اساسی می باشد: ۱- مقدمه، ۲- وسط قصیده، ۳- خاتمه. (شیب، ۱۴۱۸ق: ۶۰). اسلوب مدح نبوی در شعر ابن الجنان نسبت به دیگر شاعران، دچار اندک تغییری شده است. به گونه ای سبک شاعر در سرودن قصاید، به سبب عشق فراوان و برای بیان این عشق بدون مقدمه به تنه اصلی قصیده وارد می شود. علاوه بر این، وجود یک مخمس و پاره ای از مقطوعات (قطعه های سروده شده در چند بیت اندک) از مواردی است که در شعر دیگر شاعران کم تر به چشم می خورد. برخلاف شعر دیگر شاعران، تلاش های ابن الجنان تنها وصف فضایل و برتری ها و مقام والای پیامبر ﷺ در عالم هستی می باشد. از جهت ساختار ادبی نیز این مدایح افزون بر عنصر عاطفه در صور خیال - شیوه های بیانی - و وجوه معانی و صنایع بدیعی نیز دارای ویژگی های قابل اعتنا می باشد.

### ۶-۱. عنصر عاطفه در مدایح ابن جنان الأندلسی

عاطفه، حالت وجدانی است که انسان را به میل یا نفرت از چیزی سوق می دهد. و به دنبال آن تنفر و شادی و اندوه و خشم و رضایت است و هنگامی که شاعر در شعرش از عاطفه قوی استفاده کند، در مخاطب هم تأثیری فراوان دارد. (سلیمی، ۱۳۸۷: ۶۳). شعر رثا به لحاظ ساختارهای واقع گرایانه از نظر عاطفه جزء صادقانه ترین اشعار است.

عاطفه ادبی نیرویی است که تلاش ادیب را به سوی یک عمل سوق می دهد. و او را متأثر از موضوعی قرار می دهد که در وجود مخاطب اثر می گذارد. (عزام، ۲۰۰۵: ۲۷۰-۲۷۱) میزان حقیقی یا جعلی بودن مدح و رثا را عاطفه مشخص می کند؛ زیرا عاطفه یکی از انگیزه های عمده مدح و رثا است و شعری که عنصر عاطفه در آن قوی باشد از دل برمی خیزد و بر دل مخاطب خواهد نشست. (احمد بدوی، ۱۹۶۴: ۱۳۶). از سوی دیگر، تلفیق عاطفه با «صورت های خیال علاوه بر آن که زبان شعر را به سهم خود از زبان نثر متمایز می کند - مثل موسیقی شعر - ظرفیت زبان را نیز برای برانگیختن عاطفه افزایش می دهد... صور خیال سبب می شود جهانی که شاعر در آن عرضه می کند، با جهان واقعی که ما به آن عادت کرده ایم، تفاوت پیدا کند و همین تازگی و غرابت جهان شعر که بی تردید خیال در پدید آوردن آن نقشی به سزا دارد، سبب می شود تا توجه ما به متن جلب گردد...» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۸۵-۸۶).

اشعار ابن جنان ترسیم کننده خلوص نیت، عاطفه صادقانه و عمیق شاعر نسبت به نبی اکرم ﷺ می باشد. به گونه‌ای که تنها ممدوح ایشان، رسول رحمت ﷺ می باشد و از مدح حکام و معشوقه تبری جسته است. با توجه به نتایج پژوهش پیش رو می توان گفت یکی از عوامل اصلی که شعر ابن جنان را برتر و زیبا می سازد، ارادت خالصانه و صادقانه ایشان نسبت به پیامبر ﷺ می باشد؛ زیرا شعری که در قفس طلائی کاخ‌ها زندانی باشد و در خدمت صاحبان قدرت و ثروت قرار گیرد، تأثیر چندانی بر مخاطبان نمی گذارد و نیز شاعری که تنها درباره رؤیایها و اندیشه‌های درونی و شخصی خود سخن بگوید، شعرش برای همیشه مورد توجه همه مخاطبان قرار نمی گیرد و شاید چنین شاعری به تدریج با مرگ او روی در غبار فراموشی می نهد و مورد بی مهری ناقدان و مخاطبان قرار گیرد. (زینی وند، ۱۳۹۰: ۷۶)

با توجه به این که سبک حماسی، سبکی فاخر و جزیل است که باید عظمت و سترگی هم از نظر نوع واژه ها و هم از نظر معنا و مفهوم چشمگیر و برجسته باشد، اغلب تصاویر حماسی ابن جنان مرتبط با جنگ‌های پیامبر ﷺ و قدرت خارق العاده ایشان می شود که این توصیفات با عنصر مدح در آمیخته است.

ابن جنان در ابیات ذیل با سبکی روان و بدون تکلف از رشادت‌های پیامبر ﷺ سخن گفته است:

سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ قَد رَمَى اللّٰهُ اِذَا رَمَى	فَأَعَشَى عِيُونَ الْمُشْرِكِينَ وَ أَرَمَدَا
سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ كَانَ أَوَّلَ مُقَدِّمِ	إِذَا مَا تَلَبَّى النَّاسُ فِي النَّاسِ عُرْدَا
سَلَامٌ عَلَيَّ مَرْدَى أَبِي بَطْنِهِ	قَضَتْ لَبِيَّ فِي غَبِيٍّ تَوَعَّدَا
سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ لَيْسَ يُعْلَمُ مِثْلَهُ	نَبِيٍّ قَضَى يَوْمَ الْهَيْجِ مُهْتَدَا
سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ جَاءَ بِالنَّفْسِ طَالِبَا	رَضَى رَبُّهُ، لِلَّهِ مَا كَانَ أَجُودَا
سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ شَجَّ فِي الْحَرْبِ وَجْهَهُ	فَكَرَّرَ رَبُّ أَغْفِرُ لِقَوْمِي وَ رَدَّدَا

(اندلسی، ۱۴۱۰: ۹۲-۹۱)

«۱- سلام به کسی که در زمان تیراندازی او خداوند تیر زد و چشم دشمنان مشرک کور و نابینا شد. ۲- درود بر کسی که ابتدا پیشقدم شد تا مردم هراسی به دل راه ندهند. ۳- سلام بر قاتل اُبی با آن ضربه کارسازش (او که) درباره پیامبر ﷺ احمقانه قضاوت کرد. ۴- سلام بر کسی که مانند او شناخته نشده است (همانند ندارد). پیامبری که روز جنگ را با شمشیر سپری کرد. ۵- سلام بر کسی که برای رضای خدا جان بر کف داوطلب شد و در نزد خدا از او بخشنده‌تر نبود. ۶- سلام بر کسی که صورت مبارکش در جنگ زخم برداشت و گفت خدایا از قومم درگذر و پیوسته تکرار می کرد.»

شاعر ابیات فوق را با تداعی وقایع تاریخی و با استناد به آیات قرآن کریم و احادیث با مضمون حماسی سروده است.

تکرار واژه‌ها مهم‌ترین و نخستین ابزار عینی کردن اندیشه‌ها و بروز عواطف شاعرانه است. برای نمونه تکرار «سلام» در ابیات زیر از ابن جنان، افزون بر نقشی که در القای مدح ایفا کرده، تأثیری به سزا در موسیقی ابیات داشته است:

سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ سَارَ فِي لَيْلٍ سَيِّدًا	فَزَارَ مِنَ الْبَيْتِ الْمُقَدَّسِ مَسْجِدًا
سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ سَاقَ جَبْرَيْلُ نَحْوَالُ	بُرَاقٍ وَقَالَ اِزْكَبْ كُرْمَتَ مُوقَدًا
سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ خَصَّهُ اللَّهُ بِالْعَلَاءِ	وَأَسْمَى لَهُ فَوْقَ السَّمَوَاتِ مُصْعَدًا
سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ رَحَبَتْ بِقَدْوِمِهِ	مَلَائِكَةٌ قَالَتْ لَهُ إِصْعَدْ لِتَسْعَدَا
سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ حَلَّ بِالسُّدْرَةِ الْتَبِي	هِيَ الْمُنتَهَى فَأَخْتَلَّ لِلصِّدْقِ مَقْعَدَا
سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ كَانَ مِنْ قُرْبِ رَبِّهِ	كَقَابٍ وَلَا أَئِنَّ هُنَاكَ وَلَا لَدَى

(همان، ۸۲-۸۱)

«۱- سلام بر کسی که در شبی (شب معراج) سیادت و سروری یافت و در بیت المقدس مسجدی را زیارت کرد. ۲- سلام بر کسی که جبرئیل او را به اسب براق سوار کرد و گفت سوار شو که گرامی داشته شده و مبعوث شدی. ۳- سلام بر کسی که خداوند مراتب بالا را به او اختصاص داده و در آسمان‌ها جایگاهی رفیع برای او مقدر کرده است. ۴- سلام بر کسی که فرشتگان براو خیر مقدم گفتند و گفتند بالا بیا که سعادت مند شوی. ۵- سلام بر کسی که در سدره المنتهی جاودان و زیننده شد و جایگاهی راستین یافت. ۶- سلام بر کسی که به حدی به پروردگارش نزدیک شد گویی به اندازه دو کمان بود نه مانند نزدیکی میان ما.»

## ۲-۶. عنصر خیال در مدایح ابن جنان الأندلسی

بی‌شک قوه خیال، محل تکوین خلاقیت و عالم روح ناب است. خیال نقشی مهم در آشکار کردن عاطفه شاعر دارد؛ زیرا عاطفه مولود خیال است و شناخت خیال در شعر، علاوه بر کشف تصاویر زیبا و مبتکرانه درباره شعر می‌تواند مخاطب را به عمق احساسات و عواطف سراینده آن رهنمون سازد و زوایای پنهان از دیدگاه‌ها را ترسیم کند. خیال خود به سه دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- خیال ساده: که بیش‌تر با استفاده از عناصر تشبیه، استعاره و کنایه که در دایره علم بیان قرار دارند و به تصویرگری‌های جزئی و ارتباط بین پدیده‌ها می‌پردازد؛ (مقدسی، ۱۹۸۱: ۲۶؛ ابوحاقت، ۱۹۹۶: ۳۰۰)
- ۲- خیال آفریننده: که بیش‌تر نمایش گذاشتن جریانات و صحنه‌های غیر واقعی با آمیخته‌ای از آن با برخی واقعیات است، مانند فیلم‌ها و داستان‌های تخیلی (مقدسی، ۱۹۸۹: ۲۷)

۳- خیال بالدار یا مجنح: که معمولاً گوینده با به صحبت درآوردن اشیای بی جان و همراز شدن با آن‌ها به دنبال ارزش‌ها و حقایق ذوقی و معنوی می‌گردد؛ مانند بعضی از کارتن‌های کودکان و یا برخی از اشعار و داستان‌ها از زبان حیوانات و یا اشیای موجود در طبیعت (پروینی، ۱۳۷۹: ۲۷؛ مقدسی، ۱۹۸۹: ۲۸).

بنابراین ما در این جستار برآن هستیم با استعانت از صور خیال نگاهی کلی به چکامه زیبای ابن جنان الأندلسی، به بررسی مضامین زیبای نهفته آن پردازیم و در ادامه اصلی‌ترین عوامل تصویرساز خیال در گستره شعر این شاعر متعهد را بررسی نماییم:

### ۶-۲-۱. تشبیه

در تعریف تشبیه، آن را «اشتراک چیزی به چیز دیگر در معنی» می‌دانند. (تفتازانی، ۱۹۹۵: ۶۶). از مهم‌ترین اهداف تشبیه، توضیح و تبیین یک امر معنوی و انتزاعی بر اساس یک امر محسوس و عینی است. افزون بر آن، تشبیه از فونوی به شمار می‌رود که در بلاغت از اهمیت زیبایی شناختی برخوردار است؛ زیرا معانی نهفته را آشکار، دور را نزدیک می‌گرداند و بر بلندی و وضوح معانی می‌افزاید و آن را جمال می‌بخشد. بسیاری از شاعران حسینی در شعرشان تشبیهاتی به کار برده‌اند که در نوع خود ستودنی است؛ و نقشی مهم در ایجاد تصاویر زیبا و فنی دارند.

سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ كَانَ مَعْسُولٌ رِيْقِهِ      لُعْلَةٌ سَبْطِيَّةٌ شَرَابًا مُبْرَدًا

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۸۹)

«سلام بر کسی که آب دهان عسل‌گونه او برای تشنگی نوه‌اش هم‌چون آب سرد و گوارایی بود.»

شاعر در مصراع اول با تشبیهی بلیغ آب دهان رسول الله ﷺ را عسل می‌داند. او در این ماندگی در واقع تشبیه را به تناسی سپرده و با حذف ادات تشبیه و وجه شبه، تشبیه را به بالاترین حد بلاغت رسانده است. به این معنا که او نه تنها آب دهان پیامبر ﷺ را به عسل تشبیه نکرده، بلکه آن را خود عسل دانسته و ادعای همسانی شبهه و مشبه به را کرده است و بنا بر دیدگاه عالمان بلاغت «این نوع از تشبیه در بالاترین درجه بلاغت و رساترین، زیباترین و مؤثرترین تشبیهات است.» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۹).

لِسَيْدٍ لِسَنَاهُ      يُزْهِى السَّنَا وَ الْبِرَاعَةَ  
شَمْسُ النَّبُوَّةِ مُعْطٍ      شَمْسُ السَّمَاءِ شُعَاعَهُ

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۱۱۶)

۱. «سلام و درود بر سروری که به خاطر نور و درخشش وجودی او، نور و روشنایی بر خود می‌بالند ۲. بر خورشید نبوتی که خورشید آسمان، تابندگی خود را وامدار وجود او است.»



ابن جنان در ابیات فوق با بهره‌گیری از تشبیه مقلوب، بلاغت کلام خود را به حد اعلی رسانده است. او گاه وجود نورانی رسول ﷺ را سبب درخشش روشنایی می‌داند، گاه او را خورشیدی نورانی می‌داند که خورشید آسمان تابش خود را از او می‌گیرد، به عبارت دیگر تشبیه مقلوب به تشبیهی اطلاق می‌شود که در آن جای مشبه و مشبه به عوض شده باشد و در آن مشبه به واقعی، مشبه می‌شود و مشبه اصلی، جانشین مشبه به ادعایی می‌گردد. هدف شاعر از این جابه‌جایی نیز بیان مبالغه در وجه شبه «مشبه» است، یعنی متکلم ادعا می‌کند وجه شبه در مشبه آن چنان قوی است که باید آن را مشبه به قرار داد. (محسنی، ۱۳۹۰: ۳۱).

## ۲-۲-۶. مجاز

مجاز لفظی است که در غیر آن چه در اصطلاح تخاطب<sup>۲</sup> برای آن وضع شده، استعمال شده و این استعمال به جهت پیوند و مناسبتی است که بین معنای حقیقی و مجازی وجود دارد و همراه با قرینه‌ای است که مانع اراده معنای وضعی آن می‌شود. (هاشمی، ۱۳۸۶: ۳۱۲).

سَلَامٌ عَلٰی مَنْ كَانَ اِنْ نَامَ ظَرْفُهُ  
يُوَكَّلُ بِالذِّكْرِى فُوَادًا مُسَهَّدًا (اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۸۴)

«سلام بر کسی که اگر چشمش به خواب می‌رفت قلبش برای تسبیح و یاد خدا بیدار می‌ماند.»

در عبارت «نَامَ ظَرْفُهُ: چشمش به خواب رفت» مجاز به علاقه جزئیه وجود دارد؛ زیرا هنگام به خواب رفتن علاوه بر چشم تمام اعضای بدن انسان نیز به خواب می‌رود. شاعر در این شاهد، با ذکر جزء اراده کل کرده، چشم را ذکر کرده ولی کل اعضای بدن را ارده نموده است.

أَوْلَمْ يَكُنْ أَزْكَى الْبَرِيَّةِ خَيْمًا  
صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا

ذَاكَ الشَّفِيعُ مَقَامُهُ مَحْمُودٌ

وَ لَوَاؤُهُ بَيْنَ الْعُلَا مَعْقُودٌ

فَإِذَا تَوَافَتْ لِلْحِسَابِ وُفُودٌ

(همان، ۱۵۴)

«آیا پاک‌ترین مردم در پناه دادن نبود؟ بر او سلام و درو بفرستید و مطیع فرمان او باشید. آن شفاعت کننده که جایگاه او بسیار نیکو و پرچم او به دست خداوند گره خورده است تا زمانی که انسان‌ها بمیرند و به روز حساب رسی برسند.»

در بیت فوق در ترکیب «يُدُّ الْعُلَا» مجاز لغوی مرسل وجود دارد که علاقه آن سببیه می‌باشد؛ زیرا دست سبب قدرت است و شاعر آن را ذکر کرده ولی منظور وی قدرت است. این بیت می‌تواند مصداق مجاز به علاقه آلیت نیز به شمار آید که دست را به عنوان سبب قدرت اراده کرده باشد. بر پایه آن چه در مبحث مجاز به آن پرداخته شد، مجاز، لفظی است که در غیر آن چه برای آن وضع گردیده، استعمال شده و این استعمال به جهت

پیوند و مناسبتی است که بین معنای حقیقی و مجازی وجود دارد؛ همراه با قرینه‌ای که مانع از اراده معنای حقیقی شود. (عتیق، بی تا: ۱۳۶). علت نام گذاری مجاز این است که گوینده از معنای و مرزهای ظاهری لفظ عبور کرده و به معنای مجازی سیر می‌کند. مهم‌ترین اغراض بلاغی و زیبا شناختی استعمال مجاز، «بیان مبالغه در توصیف پدیده‌ها، به منظور تأکید، ترغیب، تحسین، تنفیر، توضیح و تمتع بیش‌تر مخاطبان نسبت به پدیده‌ها است. به طور کلی، مجاز اسلوب بیان غیر مستقیم و از نظر روانی در بسیاری از مواقع، تأثیر آن بیش‌تر از تأثیر گفتار مستقیم است و نیز بستری برای شکوفایی ابتکارها، آفرینش‌ها و خلاقیت‌های ادبی و فنی ادیبان و سخنوران است.» (محسنی، ۱۳۹۰: ۳۷).

### ۶-۲-۲. استعاره

استعاره گونه‌ای از مجاز لغوی است با علاقه‌ی مشابهتی که میان معنای حقیقی و مجازی وجود دارد. در واقع تشبیهی است که یکی از طرفین آن حذف شده است. (عتیق، بی تا: ۱۷۵؛ هاشمی، ۱۳۵۸: ۳۱۵).

### ۶-۲-۱. استعاره مصرحه

استعاره‌ای است که در آن مشبه حذف و مشبه به ذکر شده است. (تفتازانی، ۱۹۹۵: ۲۰۷). «زمانی که لفظ مستعار اسم جامد برای ذات باشد یا اسم جامد برای معنا باشد این نوع استعاره تصریحیه اصلیه می‌باشد.» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۳۲۹). در شاهد زیر شاعر «سبل الهدی» را به عنوان استعاره از وجود مبارک پیامبر ﷺ به کار برده است:

أُولَئِيسَ هَادِيِنَا اِلَى سُبُلِ الْهُدَى  
 أُولَئِيسَ مُنْقِدِنَا مِنْ اَشْرَاكِ الرَّدَى  
 أُولَئِيسَ اَكْرَمَ مَنْ تَعَمَّمَّ وَاِزْتَدَى

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۱۵۴)

«آیا او همان کسی نیست که ما را به راه راست و هدایت فرا می‌خواند؟! آیا ما را از چنگال مرگ رهایی بخشید؟ آیا او بزرگوارترین مردمان نبود؟»

واژه «سبل الهدی» استعاره مصرحه است که در آن مشبه «پیامبر ﷺ» حذف شده و به ذکر مشبه به بسنده کرده است و قصد و اشاره شاعر به این مطلب می‌باشد که هدایت مظهر روشنایی است و موجب وصول به مقصد می‌شود، وجود نورانی و والای پیامبر ﷺ نیز موجب هدایتگری و روشنگری انسان‌ها است و آن‌ها را به سر منزل مقصود می‌رساند.

### ۶-۲-۲. استعارهٔ مکنیه

استعارهٔ مکنیه استعاره‌ای است که در آن مشبه به حذف و یکی از لوازم آن ذکر شده باشد. (تفتازانی، ۱۹۹۵:

۲۱۷).

سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ قَامَ بِالْهَوَى مُنْذِرًا      وَقَامَ بِهِ جُنْحُ الدَّجَى مُتَهَجِّدًا

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۸۶)

«سلام بر کسی که به انذار و مبارزه با هوی و هوس برخاست. بر کسی که بال‌های تاریکی به نهجد و شب زنده داری با او می‌پرداخت.»

در شاهد فوق در ترکیب «جنح الدجی» استعارهٔ مکنیه وجود دارد. شاعر تاریکی را به موجود زنده‌ای تشبیه کرده که دارای بال است و شب زنده داری می‌کند، آن‌گاه مشبهٔ به را حذف کرده و یکی از لوازم آن را که داشتن بال می‌باشد برای مشبه، به عاریت گرفته است.

سَلَامٌ عَلَيَّ مَنْ أَوْحَشَ الْأَرْضَ فَقَدَهُ      فَأَصْبَحَ وَجْهَ الْأَرْضِ أُغْبِرَ أَرْبَدًا

(همان، ۹۳)

«سلام بر کسی که زمین از فقدان او به وحشت افتاد و چهرهٔ زمین غبار آلود شد.» در عبارت «وجه الأرض» استعارهٔ مکنیه وجود دارد، به این معنا که شاعر زمین را به انسانی تشبیه کرده که صورت دارد. سپس مشبهٔ به (انسان) را حذف کرده و یکی از لوازم آن - صورت و چهره داشتن - را آورده است. هدف شاعر از آوردن استعارهٔ مکنیه جنبهٔ انسانی و عقلانی بخشیدن به پدیده‌های بی‌جان و بی‌عقل یا همان تشخیص است.

### ۶-۲-۳. کنایه

کنایه لفظی است که معنایی غیر از معنایی که برای آن وضع شده از آن اراده شود و ارادهٔ معنای اصلی آن هم

جایز باشد چون قرینه بازدارنده از معنای اصلی وجود ندارد. (هاشمی، ۱۳۸۶: ۳۶۳).

ابن جنان این صنعت زیبا را در ابیات زیر بکار برده است.

كُرِّمَتْ مَنَاشِي أَحْمَدَ خَيْرِ الْوَرَى  
وَجَرَى لَهُ الْقَلَمُ الْعَلِيُّ بِمَا جَرَى  
مَا كَانَ ذَلِكَ حَدِيثًا يُفْتَرَى

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۱۵۱)

«رفتارهای پیامبر ستوده و خیرالوری تکریم شد و قلم پروردگار از آن چه گذشته بود بر او حکایت کرد و آن

افترا نبود.»

عبارت «جَزَى لَهُ الْقَلَمُ الْعَلِيُّ» کنایه از تأکید و اشاره به بزرگان می‌باشد.

## ۲. وجوه معانی و صنایع بدیعی

### ۲-۱. آغاز قصیده با فعل امر<sup>۳</sup>

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در قصیده به کار رفته، آغاز آن با فعل امر است که این فعل برای التزام خود شاعر و مخاطب به ستایش نبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به کار گرفته شده است. در این نوع قصاید شاعر به خاطر عشق سوزان به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پرهیز از دوری از اصل مطلب از همان ابتدا از مخاطب می‌خواهد که به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درود و سلام بفرستند، زیرا تنها او است که شایسته این احترام و درود می‌باشد.

ابن جنان قصیده را با فعل امر و درود فرستادن بر پیامبر آغاز می‌کند:

صَلُّوا عَلَيَّ خَيْرَ الْبَرِيَّةِ خَيْمًا      وَ أَجَلٌ مِّنْ حَازِ الْفُخَارِ صَمِيمًا  
صَلُّوا عَلَيَّ مَن شَرَّفَتْ بِوُجُودِهِ      أَرْجَاءُ مَكَّةَ زَمَزَمًا وَ حَطِيمًا

(همان، ۱۴۸)

۱. سلام و درود بفرستید بر بهترین آفریده خدا که برای انسان‌ها فرستاده شده و بسیار بلند مرتبه بوده و خدا را دوست خود قرار داده است. ۲. درود بفرستید بر کسی که همه جای مکه از جمله زمزم و حطیم را متبرک ساخته است.»

### ۲-۲. تمنی<sup>۴</sup>

آرزو کردن و خواستن چیز محبوبی است که به پدید آمدنش امیدی نمی‌رود و بر حصولش انتظاری نیست؛ زیرا که آن امر محال و ناشدنی است و یا دست یافتنی است ولی در دستیابی اش طمع و آزی نیست. (هاشمی، ۱۳۷۰: ۸۷). گاهی «عرب برای بیان آرزوهایی که امید و طمع به تحقق آن‌ها دارد، غالباً از «لعل» و «عسی» بهره می‌جوید.» (محسنی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). شاعر در بیت زیر برای بیان امید به شفاعت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از لفظ «لعل» بهره گرفته است:

لَعَلَّ شَفِيعِي أَنْ يَكُونَ مُعَالِجًا      لِدَاءِ دُنُوبٍ بِالشَّفَاءِ مُعَالِجًا  
فَمَالِي لَأَمَالِي سِوَى حُبِّ أَحْمَدَ      وَصَلَّتْ لَهُ مِنْ قُرْبِ قَلْبِي وَ شَائِجًا

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۷۷)

۱. ای کاش شفیع من درمان کننده درد گناهانم باشد و مرا شفا دهد. ۲. عشق به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نهایت آرزوهایم هست و نزدیکی قلبم به ایشان هم چون نزدیکی رگ گردن است.»

ابن جنان در شواهد فوق، با آرزوی شفاعت پیامبر ﷺ در روز حسابرسی لفظ لعل را به کار برده است و در واقع به تحقق شفاعت ایشان امید دارد.

### ۳-۷. توریه

توریه (ابهام) در لغت مصدر «وَرَيْتَ الْخَبْرَ تَوْرِيَةً» است، یعنی خبر را پوشاندم پوشاندنی. این سخن را هنگامی می‌گویند که آن خبر را پنهان سازی و غیر آن را آشکار کنی و در اصطلاح این است که گوینده لفظ مفردی را به کار برد که دو معنا دارد: یکی معنای نزدیک که مقصود او نیست ولی لفظ آشکار بر آن دلالت دارد و دیگری معنای دور که مراد او است، لکن دلالت لفظ بر آن پوشیده است. (هاشمی، ۱۳۸۶: ۳۷۹-۳۸۰).

إِلَى أَحْمَدَ الْمُخْتَارِ نُهْدَى تَجِيَّةً      تُفَاحُ رَوْضِ الْحُزْنِ بَلَلَهُ الْمُرْنُ

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۱۶۱)

«به سوی احمد مصطفی ﷺ سلامی و درودی هدیه می‌کنیم که سیب‌های باغ دل‌تنگی از ابر آن خیس می‌شوند.»

«تُفَاحُ رَوْضِ الْحُزْنِ» در بیت فوق ابهام دارد. معنای دور آن گونه‌هایی است که از اشک چشم خیس می‌شوند.

### ۴-۷. مراعات نظیر

مراعات نظیر گرد آوردن دو چیز یا چند چیز متناسب است نه از روی تضاد. (یعنی تناسب آن‌ها از جهت تضاد نباشد). (هاشمی، ۱۳۸۶: ۳۸۶).

سَلَامٌ عَلَيْهِ مَنْ لَوْجْهِي تَبَّرُ بِهِ      فَأَوْطئه خَدًا بِدَمْعِي مُخَدِّدَا

(همان، ۹۵)

«سلام بر کسی که صورتم خاک پای او است که او را بر گونه‌های اشک آلودم می‌بینم.» در شاهد فوق میان واژه‌های «وجه»، «خد» و «دمع» آرایه‌ی مراعات نظیر وجود دارد. به هر صورت استفاده از این صنعت در مدایح نبوی، موجب تناسب و زیبایی خاص در کلام می‌شود و نفوذپذیری کلام را فراتر می‌سازد.

### ۵-۷. حسن تعلیل

حسن تعلیل آن است که ادیب صریحاً یا ضمناً علت شناخته شده‌ی چیزی را انکار کند و علت ادبی زیبا و شگفتی بیاورد که آن علت دارای اعتبار لطیف و نکته‌سنجی تیزبینانه باشد به گونه‌ای که با هدف مورد توجه متناسب باشد. (هاشمی، ۱۳۸۶: ۳۸۸).

وَ الشَّمْسُ قَدْ وَقَفَتْ لَهُ لَمَّا رَأَتْ

وَجْهًا وَسِيمًا لِلنَّبِيِّ وَ سَيْمًا

(اندلسی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۹)

«خورشید آن‌گاه که چهره زیبا و نورانی رسول خدا را دید، خود را وقف او کرد.»  
شاعر در این بیت دلیل ایستادن خورشید را زیبایی پیامبر ﷺ می‌داند و خورشید را که خود مظهر  
درخشندگی و زیبایی است دچار شگفتی می‌سازد و با شخصیت بخشی به خورشید، واقعیت و خیال را درهم  
می‌آمیزد.

## نتیجه‌گیری

سرایش اشعار مشتمل بر مدح نبوی در زمرة ادبیات دینی اندلس قرار می‌گیرد و اقتباس از آیات قرآنی در مدیحه‌های نبوی اندلس از وجوه متمایز مدح نبوی در شعر پاره‌ای از شاعران اندلس به شمار می‌آید. با بررسی و تأمل در مدیحه‌های ابن جنان الأندلسی این موارد برجسته برداشت می‌گردد:

۱- دیوان شاعر در بردارنده موضوعاتی هم‌چون الهیات، مدایح نبوی، اخویات و مراجعات و رثا می‌باشد که به دلیل عشق راستین به پیامبر ﷺ، در قصاید آن به شاعر مدح نبوی شناخته می‌شود؛

۲- ابن جنان در سرودن مدایح نبوی به قرآن، روایات، تفاسیر و کتب معتبر دینی تکیه کرده است. شیوة ایشان در سرودن مدح به گونه‌ای است که در آغاز مدایح به بیان کرامات و صفات برجسته پیامبر ﷺ می‌پردازد و از مخاطب می‌خواهد که بر پیامبر درود بفرستد. و در پایان نیز ضمن درود و صلوات بر پیامبر ﷺ، به شفاعت و توسل می‌پردازد؛

۳- عاطفه صادقانه و حب راستین از برجسته‌ترین خصیصه‌های مدایح نبوی ابن جنان می‌باشد. سادگی و عدم تکلف در اسلوب و بهره‌گیری از بدیعیات لفظی و معنوی را می‌توان ویژگی اصلی شعر ابن جنان دانست؛

۴- این سروده‌ها با ساختار بدون مقدمه و خارق عرف قصاید عربی می‌باشد و از این منظر نوعی ساختار شکنی نسبت به قصاید سنتی به وجود آورده است؛

۵- شاعر با به کارگیری اسالیب علم معانی، بیان و برخی از آرایه‌های بدیعی از قبیل جناس، تشبیه، طباق و استعاره علاوه بر زیباسازی قصیده گاهی در جهت اثرگذاری بیش‌تر آن‌ها برداشته است.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- اندلس نامی است که مسلمانان به اسپانیای امروزی نهاده بودند. عرب‌ها - از نسل امویان - مدت زمانی حدود هشت قرن (۹۲-۸۹۸ ق) اندلس را در تصرف خود داشتند. (فروخ، ۱۹۸۳: ۱۵/۶)
- ۲- اصطلاح «تخاطب» یعنی اصطلاحی که با آن اصطلاح گفتگو می‌شود و با آن سخن می‌گویند. (هاشمی، ۱۳۸۶: ۳۱۲).
- ۳- امر، طلب انجام کاری از مخاطب به صورت استعلا (طلب بزرگی) و الزام است که به صورت فعل امر، مضارع مجزوم به لام امر، اسم فعل و و مصدر نایب از فعل امر ساخته می‌شود. گاهی فعل امر از معنای حقیقی (وجوبی والزامی) خارج می‌گردد و معانی مختلفی به خود می‌گیرد. (هاشمی، ۱۳۸۶: ۷۹)
- ۴- تمنی آرزو کردن و خواستن چیز محبوبی است که به پدید آمدنش امید نمی‌رود و بر حصولش انتظاری نیست؛ زیرا که آن امر محال و ناشدنی است و یا دست یافتنی است ولی به دست‌یابی‌اش طمع و آزی نیست. (همان، ۸۷)



## منابع و مأخذ

۱. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق یوسف البقاعی، قم: ذوالقربی.
۲. ابن کثیر، ابوالفداء الحافظ (۱۴۱۰ق)، البداية و النهاية، بیروت: مكتبة المعارف.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، الطبعة الأولى، بیروت: دارصادر.
۴. ابوحاقة، احمد (۱۹۷۹)، الإلتزام فی الشعر العربی، بیروت: دار العلم للملایین.
۵. احمد بدوی، احمد (۱۹۶۴)، أسس النقد الأدبی عند العرب، الطبعة الثانية، قاهرة: الفلاحة مكتبة نهضة مصر.
۶. اسماعیلی، خدیجه (۱۳۹۳)، «مقایسه تطبیقی مدح نبوی و سیمای پیامبر در اشعار حسان بن ثابت و بوصیری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر احمد لامعی گیو، دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۷. الهی قمشاهی، مهدی (۱۳۶۷)، قرآن مجید، تهران: بنیاد نشر قرآن.
۸. اندلسی، ابن جنان (۱۴۱۰)، دیوان، جمع و تحقیق و دراسة الدكتور منجد مصطفى بهجت، موصل: بی‌نا.
۹. پروینی، خلیل (۱۳۷۹)، تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه انتشار العربی.
۱۰. پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱)، سفر در مه، تهران: نگاه.
۱۱. تفتازانی، سعدالدین (۱۹۹۵)، شرح المختصر علی تلخیص المفتاح، چاپ هشتم، قم: انتشارات هجرت.
۱۲. رزمجو، محسن (۱۳۷۴)، انواع ادبی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۳. زینی وند، تورج (۱۳۹۱)، المديح النبوی فی شعر حسان العرب و حسان العجم (رأسة المقارنة)، چاپ اول، تهران: انتشارات یار دانش.
۱۴. سلیمی، علی (۱۳۸۷)، النقد و الناقدون فی الأدب العربی، چاپ اول، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
۱۵. شهیدی پاک، محمدرضا (۱۳۹۰)، «علل واقعی سقوط اندلس و نظریه ابن خلدون»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش نامه تاریخ اسلام، سال اول، شماره یکم، صص ۷۹-۱۰۸.
۱۶. شیب، غازی (۱۴۱۸ق)، فن المديح النبوی فی العصر المملوکی، الطبعة الأولى، بیروت: المكتبة العصرية.
۱۷. عتیق، عبدالعزیز (بی‌تا)، علم البیان، بیروت: دار النهضة العربية.
۱۸. عزام، محمد (۲۰۰۱)، النص الغائب، الطبعة الأولى، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
۱۹. فخر رازی، محمد بن عمر (بی‌تا)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۰. فروخ، عمر (۱۹۸۳)، تاریخ الأدب العربی، الجزء السادس الأدب فی المغرب و الأندلس، بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۱. قدامة بن جعفر، ابوالفرح (۱۴۲۰ق)، نقد الشعر، قاهرة: دارالکتب العلمیة.
۲۲. کرد، راضیه (۱۳۹۸)، «تحلیل محتوایی و ساختاری مدایح نبوی در شعر ابن جنان اندلسی»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه رازی، استاد راهنما دکتر یحیی معروف، کرمانشاه، دانشگاه رازی.
۲۳. مبارک، محمد زکی (۱۹۷۷)، «المدایح النبویة فی الأدب العربی»، الطبعة الثانية، دمشق: مكتبة الشرق الجدید.
۲۴. محسنی، علی اکبر (۱۳۹۰)، دانش معانی، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
۲۵. محسنی نیا، ناصر و آرزو پور یزدان پناه (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی مدایح نبوی در شعر جمال الدین عبدالرزاق و احمد شوقی»، پژوهش نامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال اول، شماره ۳، صص ۳۹-۵۸.
۲۶. مقدسی، انیس (۱۹۸۱)، المختارات السائرة من روائع الأدب العربی، الطبعة الخامسة، بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۷. مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۸. میرزاپور، طیبیه (۱۳۹۳)، «مدایح نبوی عائشة الباعونیه و نمود باورهای مذهبی در آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر وصال میمند (۱۳۹۳)، دانشگاه یزد، دانشکده زبان های خارجی.
۲۹. هاشمی، احمد (۱۳۸۶)، جواهر البلاغة، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اسماعیلیان.